

مقدمه

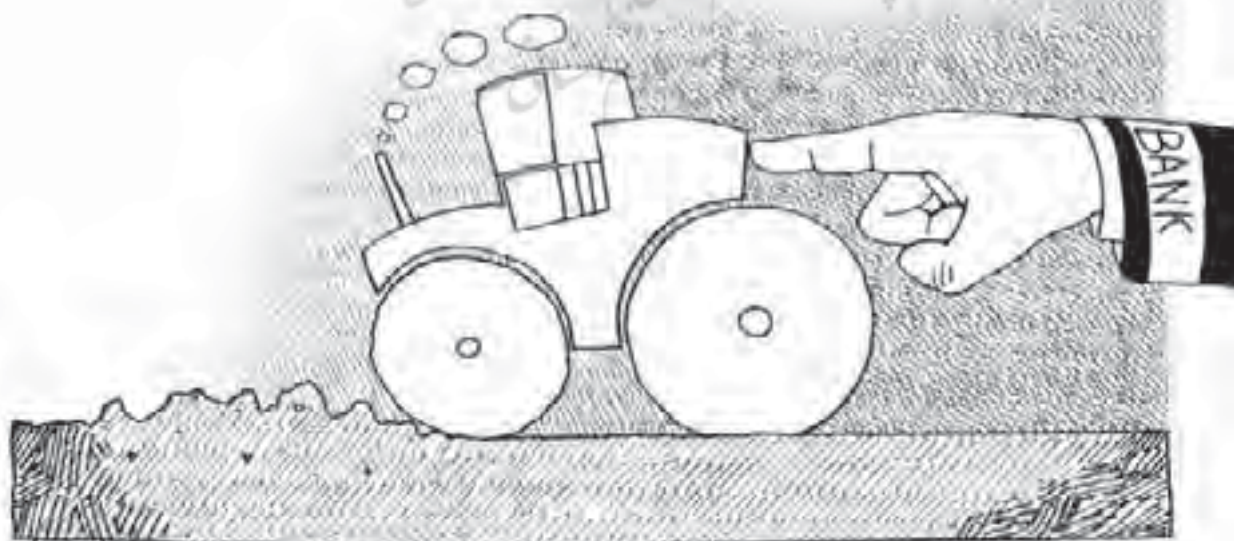
بر آنها، توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن برای رقابت در بازارهای بین‌المللی، آماده‌سازی بنگاه‌های داخلی برای مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی در یک فرایند تدریجی و هدفمند، توسعه سرمایه انسانی، دانش پایه و متخصص، توسعه و ارتقای استانداردهای ملی و انطباق نظام‌های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین‌المللی، جهت‌گیری خصوصی‌سازی در ارتقای کارایی و رقابت‌پذیری و گسترش مالکیت عمومی مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

در چارچوب واگذاری بنگاه‌های دولتی که شامل ۸۰ درصد سهام بنگاه‌های مشمول صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به بخش‌های خصوصی و شرکت‌های تعاونی، سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی است، موضوع پراهمیت، واگذاری بانک‌های دولتی - به استثنای بانک‌های مرکزی، ملی، سپه، صنعت و معدن، کشاورزی، مسکن و توسعه صادرات - قرار دارد که تحقق آن در کنار سایر واگذاری‌ها، با منظور داشتن الزامات مربوطه از لحاظ تدوین قوانین پایدار و آیین‌نامه‌های دقیق اجرایی تضمین‌کننده سلامت و شیوه‌های معتبر این واگذاری‌ها طی یک دوره زمانی مناسب، چشم‌انداز بسیار مطلوبی را

ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای توسعه فعالیت‌های بخش‌های خصوصی و تعاونی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی نقطه عطفی بسیار مهم در روند سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در سطح ملی و نیز راهگشای بسیاری از مسائل و ابهامات در این زمینه است. این سیاست‌ها که به منظور تسریع رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح جامعه، تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی، ارتقای بهره‌وری منابع مالی و انسانی و فن‌آوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، تشویق افشار مختلف مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوار و نیز افزایش سطح عمومی اشتغال ابلاغ شده است، به طور عمده بر موضوع سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت فعالیت‌های مختلف اقتصادی (شامل صنایع بزرگ و بازرگانی خارجی و بانکداری و بیمه) توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی، و توسعه آن از طریق واگذاری فعالیت‌های بنگاه‌های دولتی به بخش خصوصی اتکا دارد. این مهم نیز با عنایت به نکاتی چند همچون تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه‌ها به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت

توسعه و خصوصی‌سازی بانک‌ها روندها، موضوعات، تجربه‌ها و درس‌ها

حفظ اله سلطان محمدی



برای اقتصاد کشور در رسیدن به اهداف منظور شده در راستای برنامه‌های توسعه اقتصادی و مآلاً نیل به اهداف سند چشم‌انداز بلندمدت کشور به تصویر می‌کشد. این در حالی است که با توجه به ابهامات موجود در زمینه مالکیت و مدیریت شرکت‌های صدر اصل ۴۴، پیش از هر چیز لازم است این ابهامات که می‌تواند موجبات سوء استفاده، رانت جویی، سوء مدیریت و تداخل گرایش‌ها در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و افزایش نقدینگی و غیره را فراهم آورد، مرتفع شود و به گونه‌ای عمل نشود که انتقال مالکیت یاد شده به توسعه مالکیت دولتی به شکلی دیگر بینجامد و در عمل اختیار شرکت‌های واگذار شده و مدیریت آنها همچنان در دست دولت باقی بماند و دلیلی برای بهبود کارایی در این حوزه وجود نداشته باشد.

خصوصی‌سازی در سطح جهانی تجربه‌های زیادی را به دنبال داشته است. در واقع، موج اصلی جهانی خصوصی‌سازی در سال ۱۹۷۹ در کشور انگلیس آغاز شد. به طوری که برنامه‌های آن تاکنون نیز در دست اجرا قرار دارد. عواید حاصل از این خصوصی‌سازی درآمدی بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار بوده که از محل خصوصی‌سازی برخی بنگاه‌های دولتی مثل مخابرات بریتانیا، گاز، خطوط هوایی، نفت و الکتریسیته و شرکت‌های آب و راه‌آهن و غیره حاصل شده است. کشورهای دیگر عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی (OECD) و برخی کشورهای در حال توسعه نیز با به کارگیری تجربه مذکور از یک مدل خصوصی‌سازی مورد به مورد در سال‌های گذشته اقدام به انجام دادن این کار کرده‌اند. این کشورها شامل آرژانتین، کانادا، شیلی، فرانسه، ایتالیا، آلمان، نیوزیلند، و اسپانیا هستند. کشورهای دیگر در حال توسعه نیز در سایر مناطق بعضاً به شیوه مذکور و یا به طرق دیگر در یک سطح گسترده به این کار اقدام کرده‌اند و درس‌ها و تجربه‌های متفاوتی را از خود برای سایر کشورها برجا گذاشته‌اند که در ادامه این مقاله با بررسی مختصر سیر تحولات و روندهای جهانی در این حوزه‌ها به طور اعم، و در حوزه بانکی به طور خاص، و بررسی شواهد تجربی و درس‌های برگرفته از آن، تلاش می‌شود تا اطلاعات جامع‌تری در این باره برای عملیات مربوط به این مهم فراهم شود.

تحولات و روندهای جهانی خصوصی‌سازی

کشورهای در حال توسعه بین سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ نزدیک به ۴۰۰ معامله خصوصی‌سازی به ارزش حدود ۹۰ میلیارد دلار آمریکا انجام دادند. عملیات مربوط به سال ۲۰۰۴ حدود ۱۷۰ مورد به ارزش تقریبی ۳۳ میلیارد دلار بود. این ارقام برای سال ۲۰۰۵ نسبت به سال ۲۰۰۴ به ترتیب در مورد تعداد معاملات تا ۱۵ درصد، و در مورد ارزش آن

تا ۷۲ درصد افزایش داشت.

در این میان ۱۰ کشور ۸۰ درصد ارزش کل این معاملات را به خود اختصاص دادند که در میان آنها برای اولین بار از سال ۱۹۹۰، نام کشورهای رومانی، اوکراین، پاکستان و مجارستان به چشم می‌خورد. مجموع ارزش معاملات خصوصی‌سازی در کشور چین و ترکیه در سال ۲۰۰۵ یک سوم کل این معاملات را شامل می‌شود. این در حالی است که چین مجدداً با رقم ۱۸ میلیارد دلار ارزش معاملات، که شامل ۷۰ درصد فروش سهام حداقلی بخش بانکی و شرکت‌های بیمه بود، در رتبه نخست قرار گرفت. ترکیه نیز با ۱۲ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار، که نیمی از آن از محل معامله بزرگ فروش ۵۵ درصد شرکت مخابراتی آن کشور به مبلغ ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار حاصل شد، بعد از کشور چین واقع شد. رومانی نیز با فروش ۴ میلیارد و ۷ میلیون دلاری مربوط به بانک تجارت آن کشور و سایر معاملات در رتبه سوم قرار گرفت. در رتبه چهارم، کشور اوکراین به لحاظ فروش شرکت فولاد آن به مبلغ ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار قرار داشت. معاملات در حوزه مخابرات راه دور برای پاکستان، و گاز و فرودگاه برای مجارستان نیز این کشورها را در ردیف ۱۰ کشور اول این معاملات قرار داد.

روند منطقه‌ای

بررسی منطقه‌ای عملیات خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه گویای آن است که کشورهای واقع در منطقه آسیای میانه و اروپا هنوز در زمینه خصوصی‌سازی نسبت به سایر مناطق پیشرو بوده و همراه با شرق آسیا بالغ بر ۸۰ درصد کل ارزش این عملیات، و نیز ۹ دهم معاملات بزرگ در این حوزه را در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ تقبل کرده‌اند. سهم منطقه جنوب آسیا در این سال‌ها دو برابر شد، در حالی که آمریکای لاتین با افت شدید روبه‌رو بود. منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا هم همچون صحرای مادون آفریقا از کاهش ملایم حجم عملیات در این باره برخوردار بودند.

در واقع منطقه آسیای میانه و اروپا در سال ۲۰۰۵ از محل ۲۰۰ معامله خصوصی‌سازی، از عایدی بالغ بر ۴۷ میلیارد دلار برخوردار شد که حاکی از افزایش سهم آن نسبت به ارزش کل به رقم ۵۴ درصد از ۴۰ درصد سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۳ بود. موضوع الحاق به اتحادیه اروپا علت اصلی این افزایش سهم برای دو کشور ترکیه و رومانی بود که در این میان ترکیه با ۲۶ درصد ارزش منطقه‌ای از محل فرودگاه‌ها، بنادر، پتروشیمی، آلومینیوم، نفت و بانکداری و مخابرات؛ و رومانی با ۱۵ درصد از محل نفت و گاز و الکتریسیته و بانک تجارت رومانی این سهم را به خود اختصاص دادند. جمهوری چک از محل خصوصی‌سازی

مخابرات راه دور، نفت، پتروشیمی و معدن، و لهستان از محل بانکداری، نفت و گاز، و صنعت، هر کدام ۱۰ درصد در این حوزه نقش داشتند. اوکراین، مجارستان و فدراسیون روسیه نیز از کشورهای مهم شرکت کننده در این زمینه بودند.

در منطقه شرق آسیا خصوصی سازی بانک ها در چین نقش مسلط را ایفا کرد. این منطقه با ۲۲ میلیارد دلار عواید خصوصی سازی از محل ۵۱ معامله به عنوان دومین منطقه از سهمی معادل ۲۵ درصد برخوردار بود. در این میان کشور چین با ۸۰ درصد ارزش سهم منطقه ای، که تقریباً ۷۰ درصد آن از محل فروش حداقل ۸ سهم به خارجیان عاید شده، از نقش عمده ای برخوردار بود. پنج مورد از فروش ۸ سهم یاد شده را فروش بزرگترین بانک ها و شرکت بیمه آن کشور به خارجیان تشکیل می داد، که در ارتباط با الحاق آن کشور به سازمان تجارت جهانی و آزادسازی بخش مالی آن قرار داشت. اقدامات دیگری نیز در بخش های آب، گاز و پایانه های این کشور انجام شد. غیر از چین تعدادی معامله بزرگ دیگر در این منطقه در سه کشور مالزی (نیرو و بنادر)، تایلند (خطوط هوایی، فرودگاه) و اندونزی (بانک ها، نیرو و گاز) انجام گرفت.

سهم منطقه جنوب آسیا از عواید خصوصی سازی در سال ۲۰۰۵ معادل ۸ میلیارد دلار آمریکا از محل ۳۹ معامله بود که نسبت به کل ارزش معاملات از ۴ درصد سال های ۲۰۰۰-۲۰۰۳ به رقم ۹ درصد در سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ افزایش نشان می دهد. با این حال عملیات مذکور به رغم حجم عظیم بنگاه های دولتی در منطقه، تنها به دو کشور هند و پاکستان محدود شد.

در این میان کشور پاکستان به دنبال انتصاب یک وزیر جدید خصوصی سازی در آوریل ۲۰۰۳، سهم منطقه ای خود را در این باره از رقم ۱۵ درصد سال های ۲۰۰۰-۲۰۰۳ به ۵۳ درصد در سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ افزایش داد. ۲۶ درصد این معاملات به شرکت مخابرات آن کشور با رقم ۲/۶ میلیارد دلار، و مابقی به فروش مجوز تلفن همراه و سهام بخش های الکتریسیته، پالایش نفت، نیرو، گاز و غیره مربوط می کشد. بقیه سهم خصوصی سازی این منطقه به کشور هند، از محل فروش سهام حداقلی بعضی از بزرگترین بنگاه های آن کشور مثل شرکت نفت و گاز طبیعی، شرکت برق، و غیره اختصاص یافت. البته فروش های استراتژیک در هند با انتخاب دولت جدید آن کشور در سال ۲۰۰۴ متوقف شد.

در سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ عواید خصوصی سازی منطقه آمریکای لاتین از محل ۲۶ معامله به ۳ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار رسید. سهم

آن نیز از کل ارزش معاملات از ۱۷ درصد سال های ۲۰۰۰-۲۰۰۳ به ۳ درصد در سال های یاد شده تنزل یافت. بخشی از این کاهش به خاطر کوچک شدن پرتفوی بنگاه های دولتی و بخشی نیز به لحاظ واکنش سیاسی و دولتی کشورها به خصوصی سازی بوده است. در این میان کشور شیلی بالغ بر یک چهارم ارزش منطقه ای عواید خصوصی سازی را در حوزه های جاده ای، آب و راه آهن به خود اختصاص داد و سهم برزیل از رقم ۸۵ درصد به ۲۳ درصد کاهش یافت. مابقی ارزش منطقه ای یاد شده به پنج معامله بزرگ بانکی در کلمبیا، به عنوان بزرگترین عملیات منطقه ای به ارزش ۴۲۰ میلیون دلار، معاملات مخابراتی در السالوادور، فرودگاهی در مکزیک و نیروگاه آبی و معدن در پرو مربوط می شد.

عواید ناشی از خصوصی سازی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا طی سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ به حدود ۷ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار از محل ۲۷ عملیات در این زمینه حاصل شد. این رقم ۸ درصد کل ارزش معاملات این سال ها را شامل می شد که نسبت به رقم مشابه ۱۱ درصدی سال های ۲۰۰۰-۲۰۰۳ کاهش نشان می داد. در این میان دو کشور مراکش و مصر تقریباً ۷۰ درصد ارزش منطقه ای این عملیات را به خود اختصاص دادند. در واقع مراکش با اختصاص ۳۷ درصد این سهم به خود از محل عملیات ۲/۵ میلیارد دلاری فروش مخابراتی، و مصر با سهم ۳۰ درصدی ناشی از یک برنامه فعالتر خصوصی سازی در حوزه های مخابراتی به مبلغ معادل ۸۹۲ میلیون دلار، و معاملات بزرگ دیگر در بخش هایی مثل سیمان، کودشیمیایی، صنایع پتروشیمی و روغن معدنی در رتبه های نخست قرار داشتند. در واقع، در پرتو فروش های مخابراتی یاد شده و فروش های مشابه دیگر در کشورهای مثل عمان (خطوط ثابت) و الجزایر، جمهوری اسلامی ایران و تونس (مجوز های مربوط به تلفن همراه)، خصوصی سازی مخابراتی در منطقه مذکور در رأس سایر بخش ها قرار گرفت.

در منطقه صحرای مادون آفریقا تعداد کمی از کشورها اقدامات محدودی در این حوزه انجام دادند. این منطقه با ارزش معاملاتی بالغ بر ۹۷۵ میلیون دلار از محل ۲۳ معامله تقریباً یک درصد کل ارزش معاملات مربوطه را در سال های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ به خود اختصاص داد که ۲ درصد نسبت به سال های ۲۰۰۰-۲۰۰۳ کاهش نشان می داد. با وجود حضور وسیع بنگاه های دولتی در این منطقه، فعالیت خصوصی سازی در سال های مذکور به تعداد کمی از کشورهای آن منطقه محدود بود. کشور نیجریه به تنهایی در برگیرنده ۷۰ درصد این معاملات، و کشورهای غنا و تانزانیا با هم ۱۲ درصد قسمتی از این سهم را در اختیار

داشتند. بخش زیادی از بقیه سهم نیز به فروش‌ها در حوزه ارتباطات مخابراتی در کشورهای سودان، کنیا، رواندا، آفریقای جنوبی و ماداگاسکار مربوط می‌شد.

روند بخشی

در روند بخشی واگذاری‌ها به بخش دولتی، سه بخش زیربنایی (شامل ارتباطات مخابراتی، الکتروسیته، گاز، حمل و نقل و آب)، مالی (شامل بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و سایر خدمات مالی)، و انرژی (شامل استخراج و تولید نفت و گاز و سایر هیدروکربن‌ها) تقریباً ۹۰ درصد ارزش کل معاملات خصوصی سازی در این حوزه‌ها را در بر می‌گیرند.

سهم امور زیربنایی از کل ارزش معاملات خصوصی سازی نسبت

به رقم ۵۵ درصدی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۳ با حدود ۱۳ درصد کاهش به رقم ۴۲ درصد در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ کاهش یافت. با این وجود، ارتباطات مخابراتی بیشترین سهم عواید این بخش را با افزایش ۱۰ درصدی (از رقم ۵۰ درصد به ۶۰ درصد) در دوره‌های یادشده به خود اختصاص داد. معاملات در این حوزه طی ۱۰ مورد در ده کشور مختلف انجام شد. سهم حمل و نقل نیز در این میان

از ۸ درصد به ۲۱ درصد رسید. واگذاری امور فرودگاه‌ها در کشورهای ترکیه، مجارستان، تایلند و مکزیک ۷۰ درصد ارزش سهم این بخش را تشکیل می‌داد و ۳۰ درصد باقیمانده مربوط به امور بنادر در ترکیه و نیجریه، جاده‌ها و بزرگراه‌ها در برزیل، مکزیک و هند بود. سهم بخش الکتروسیته با تنها سه معامله انجام شده در کشورهای مالزی، جمهوری اسلواک، و هند از ۳۹ درصد به ۱۶ درصد کاهش داشت. بخش آب در رقم ۳ درصد، که بیش از ۸۰ درصد آن مربوط به کشورهای شیلی (۳۴ درصد)، چین (۳۲ درصد) و برزیل (۱۷ درصد) می‌شد، همچنان ثابت باقی ماند.

در این میان روند معاملات خصوصی سازی در بخش مالی از رشد زیادی برخوردار بود. در واقع سهم این بخش از ۱۹ درصد طی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۳ به رقم ۳۰ درصد در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ رسید. این در حالی بود که تقریباً ۹۰ درصد ارزش سهم معاملات این بخش ناشی از ۱۰ معامله‌ای بود که ۷ معامله آن به فروش سهام حداقلی بانک‌های چینی در برگیرنده ۶۰ درصد این سهم، مربوط می‌شد. دو معامله دیگر بخش مالی مربوط به بانک‌های تجاری رومانی (۱) و لهستان (۲) در

منطقه آسیای میانه و اروپا بود که بخش زیادی از مابقی این سهم را به خود اختصاص دادند. در همین حال برخی کشورهای دیگر مثل کلمبیا، برزیل، آلبانی، صربستان، مصر، لبنان و تونس نیز فعالیت‌هایی در این بخش داشتند.

بخش‌های رقابتی دیگر نیز در سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵ در این میان از سهم فزاینده‌ای برخوردار بودند. تقریباً ۴۰ درصد ارزش معاملات از فروش شرکت فولاد در اوکراین حاصل شد. سایر معاملات مربوط به صنایع در کشورهای لهستان، ترکیه، مجارستان، صربستان، مصر و پاکستان در حوزه‌هایی همچون سیمان، کودشیمیایی و آلومینیوم انجام گرفت. خصوصی سازی خدمات در خطوط هوایی نیز افزایش قابل توجهی داشت که کشورهای همچون تایلند، پاکستان، لیتوانی، اسلواکی،

شیوه واگذاری	تعداد معامله	ارزش معامله (میلیون دلار آمریکا)
عرضه سهام	۱۲۴	۷۶۱۸۷/۸۵
خرید تدریجی	۲۳۶	۶۶۷۱۲/۷۲
جمع	۳۶۰	۱۴۲۹۰۲/۵۷

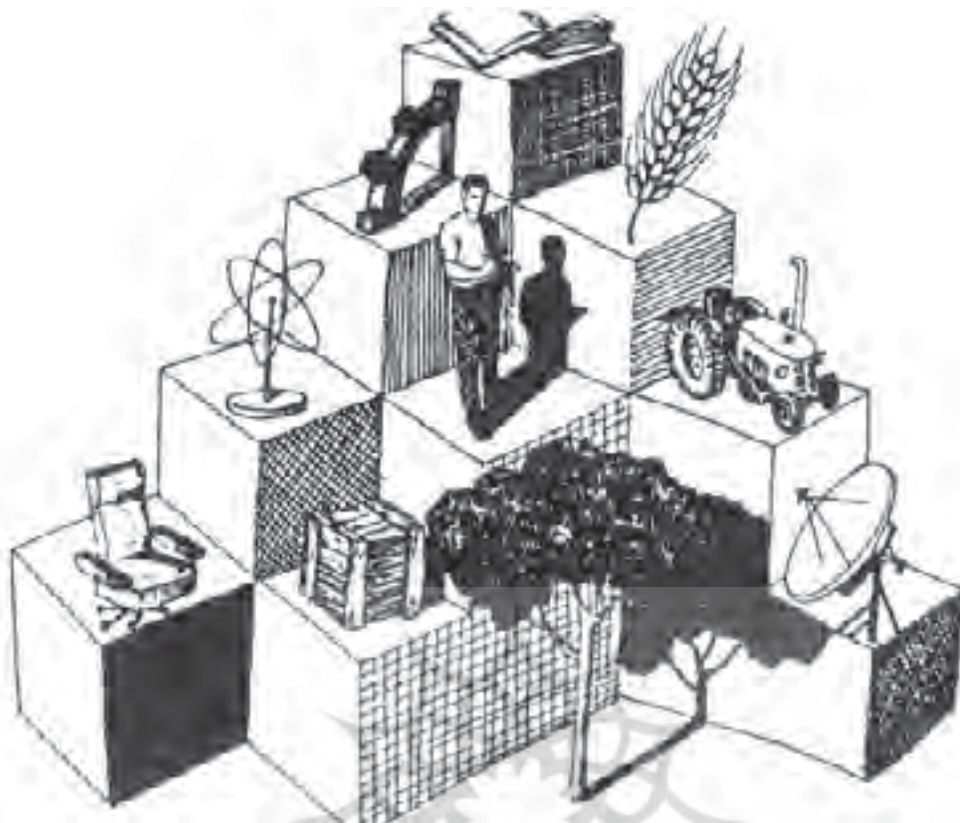
منبع: Megginson, William L., 2004

و ترکیه آن را به اجرا گذاشتند.

بخش‌های انرژی و صنایع اولیه وضعیت تقریباً ثابتی داشتند. ارزش معاملات بخش انرژی حدود ۱۵ درصد کل آن را، با معاملاتی عمدتاً در منطقه اروپا و آسیای میانه (شامل روسیه، رومانی، لهستان) و جنوب آسیا (شامل هند و پاکستان) در بر می‌گرفت. بخش مواد اولیه نیز در اندازه ۲ درصد، که ۹۲ درصد ارزش آن ناشی از معاملات کشورهای منطقه اروپا و آسیای میانه (شامل جمهوری چک، اوکراین، ارمنستان، و ترکیه) و ۸ درصد بقیه از معامله معدن «لاس بامباس» (۳) در پرو بود، تقریباً ثابت باقی ماند.

در مجموع، خصوصی سازی طی سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۵، به ویژه در حوزه بانکداری، حمل و نقل و ارتباطات مخابراتی، و بخش‌های رقابتی از تحرک نسبتاً زیادی برخوردار بوده است و دربرگیرنده نکات زیر بود:

* کشورهایایی مثل ترکیه، رومانی، پاکستان، و مصر از یک روند فعال خصوصی سازی حمایت شده از جانب مدیریت سیاسی آنها، موافقتنامه‌های بین‌المللی و فشارهای بودجه‌ای برخوردار بودند.



گذشته منتهی به سال ۲۰۰۳ نیز ارزش سهام یا فروش دارایی‌های بیش از ۲۵۰ بانک تجاری از سوی ۵۹ دولت به صورت کلی یا جزئی به شیوه‌های مختلف به بخش خصوصی واگذار شده است. علاوه بر این، در هر مورد از این واگذاری‌ها تأکید بر نقش استراتژیک این بانک‌ها در تأمین مالی برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورها و نقش کلیدی دولت‌ها در زمینه برنامه‌ریزی و هدایت امر توسعه قرار داشته است. جدول زیر اطلاعات کلی این واگذاری‌ها را از لحاظ تعداد عملیات و ارزش آنها به تفکیک شیوه‌های به کار گرفته شده نشان می‌دهد:

۱. علت تغییر گرایش مالکیتی از دولتی به خصوصی

در خصوص علت تغییر گرایش مالکیتی از دولتی به خصوصی در حوزه بانکداری، دو عامل مهم از میان سایر عوامل قابل ذکر است: اول آنکه شواهد و قرائن موجود در خصوص فعالیت بانک‌ها در حوزه دولتی در طول زمان نشان داد که مالکیت دولتی بانک‌ها از کارایی لازم برای دستیابی به اهداف برنامه ریزی شده از قبل برخوردار نیست. دوم آنکه، موضوع توسعه نظام مالی به عنوان یک عامل مؤثر در رشد اقتصادی به عنوان یک واقعیت مورد توجه قرار گرفت. در این میان عواملی نیز به طور خاص در خصوصی سازی بانک‌های تجاری مؤثر بوده است. اول در زمینه اقتصادهای سوسیالیستی پیشین که خصوصی سازی در آنها

* خصوصی سازی در برخی موارد (مثل بانک‌های چین) با فروش حداقلی سهام در بازار بورس با نظارت دولتی انجام گرفت. آثار اینگونه عملیات باید به صورت نظام مند ارزیابی شود.

* خصوصی سازی در مواردی وسیله‌ای در خدمت سرمایه گذاری مستقیم خارجی قرار داشت. سرمایه گذاری جنوب-جنوب به تسهیل خصوصی سازی از لحاظ سیاسی کمک فزاینده‌ای ارائه کرد.

* در حالی که خصوصی سازی در بعضی کشورها با شتاب انجام گرفت، در برخی کشورها مثل کرواسی و مولداوی به علت فقدان رضایت قیمتی یا نبود شرکت کنندگان برای مزایده متوقف بود. در بعضی موارد نیز همچون بولیوی، روسیه، و ونزوئلا، اعمال نفوذ دولت‌ها از طریق ملی گرایي یا اعمال محدودیت‌ها بر سرمایه گذاری خارجی در بخش‌هایی مثل نفت و گاز و غیره بیشتر شد. در اینگونه موارد، مسئله رقابت و بهبود اداری شرکتی برای بنگاه‌های دولتی اهمیت ویژه‌ای داشت.

خصوصی سازی بانک‌ها

خصوصی سازی مالی و بانکی همواره دربرگیرنده بخش عمده‌ای از معاملات خصوصی سازی کشورها بوده و در سال‌های اخیر از سال ۲۰۰۳، از رشد قابل توجهی نیز برخوردار بوده است. در پانزده سال

به صورت گسترده و در صنایع گوناگون انجام گرفته و خصوصی سازی بانک‌ها به عنوان جزئی از یک برنامه همه جانبه برای رسیدن به اقتصاد بازار برای آنها مطرح بوده است. البته این کشورها به علت موقعیت اعتباری ویژه گذشته خود با چالش‌های زیادی در مواجهه با این موضوع روبه‌رو بوده‌اند. در برخی کشورها نیز مسئله ملی شدن تعداد محدودی از بخش‌ها یا شرکت‌های وابسته به دولت، موجبات این اقدام را فراهم کرده است. در این شرایط خصوصی سازی احتمالاً با چالش کمتری لاقلاً در حوزه وام‌ها روبه‌رو بوده است. در بعضی اقتصادها هم موضوع تنظیم مجدد و فراگیر نظام مالی سبب انجام گرفتن این امر مهم بوده است. سرانجام به علت آنکه در بعضی کشورها بانک‌ها تنها تأمین کننده وجوه برای دولت بوده‌اند، به آنها به عنوان ابزاری ساده برای «خصوصی کردن درآمدی» نگریسته و به خصوصی سازی آنها اقدام شده است.

در هر حال، با توجه به اینکه توسعه نظام بانکی به طور خاص، و توسعه بخش مالی در حالت عام نقش مهمی را در تسریع توسعه اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند، خصوصی سازی بانک‌های تجاری در

حیاتی برای توسعه اقتصادی ایفا می‌کند، و اینکه خدمات بانکی با آنچه که در بازارهای بورس ارائه می‌شود، متفاوت است. در واقع بررسی ادبیات موضوع در این باره گویای وجود پژوهش‌های مختلفی هستند که همگی از نقش مهم نظام مالی کارا در رشد اقتصادی پایدار حکایت می‌کنند.

۲. چگونگی شرایط انتخاب بانک‌ها

بررسی‌هایی نیز درخصوص چگونگی شرایط انتخاب بانک‌ها برای خصوصی سازی از سوی دولت به عمل آمده است. مثلاً دو تن از محققان (۶) در سال ۲۰۰۲ اقتصاد سیاسی فروش ۱۳ بانک دولتی در آرژانتین را از سوی دولت‌های ایالتی آن کشور با توجه به قانون آوریل ۱۹۹۱ مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند که:

- (۱) در وهله نخست بانک‌های با عملکرد ضعیف نسبت به سایر بانک‌ها در اولویت اول خصوصی سازی قرار داشتند،
- (۲) وجود کارکنان بیش از حد بانک‌ها به کاهش احتمال خصوصی سازی گرایش دارد. زیرا رفع این مازاد پس از اقدام به فروش بانک از پیامد سیاسی منفی برخوردار خواهد بود،

کشورها با هدف افزایش کارایی آنها در یک محیط رقابتی در کنار سایر اهداف، به توسعه اقتصادی این کشورها یاری رسانده است. بررسی‌های به عمل آمده در این زمینه مؤید این موضوع است. برای مثال، دو تن از محققان (۴) در بررسی تجربی سال ۱۹۹۸ خود شواهدی را ارائه کردند که بیانگر تأثیر مثبت توسعه مالی بر توسعه اقتصادی از طریق کاهش هزینه‌های تأمین مالی شرکت‌ها بود. آنها دریافتند که توسعه مالی در فرایند ایجاد شرکت‌های جدید در یک

جدول ۱: خلاصه اطلاعات خصوصی سازی بانکی در کل توسعه OECD طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۰

متغیر	تمام کشورها	کشورهای OECD	کشورهای غیر OECD
تعداد شرکت‌ها	۵۱	۲۲	۱۸
تعداد سهام	۲۷۰	۱۵۸	۱۱۲
حجم سهام عرضه شده (میلیون دلار آمریکا)	۳۸۲۰	۲۲۷	۳۵۴۰
حجم سهام فروخته شده (میلیون دلار آمریکا)	۲۴۹	۱۵۵	۹۴
حجم سهام فروخته شده (درصد از کل)	۶۵	۶۸	۲۷
درصد معاملات از طریق عرضه عمومی سهام	۳۷	۲۲	۵۰
کل ارزش معاملات (میلیون دلار آمریکا)	۲۱۳۱۵۵۸	۳۸۲۷۳	۸۰۸۹۷

Source: Fustari and Payne (2003)

جدول ۲: خلاصه اطلاعات خصوصی سازی بر حسب نوع عرضه طی سال‌های ۱۹۸۵-۲۰۰۲

شیوه فروش	تعداد معاملات	ارزش معاملات (میلیون دلار آمریکا)
عرضه عمومی	۱۲۲	۷۸۱۸۷۸۵
فروش خصوصی	۱۲۹	۴۶۱۴۷۶
جمع کل	۲۵۱	۱۲۴۹۰۲/۵۹

Source: Myer (2004)

(۳) احتمال خصوصی سازی بانک‌های بزرگتر از بانک‌های کوچکتر کمتر است،

اقتصاد اهمیت ویژه‌ای دارد. اقتصاددانان دیگر مثل «لویس» و «زرواس» (۵) نیز نشان دادند که کارایی بیشتر نظام بانکی نقش



و غیر عضو آن مورد بررسی قرار گرفت، نشان داد که در اقتصادهای غیر OECD به احتمال زیادتر خصوصی سازی بانکی در زمانی انجام می گیرد که بخش بانکی دولتی از کیفیت پایین برخوردار باشد، و دولت از پاسخگویی زیادتر در مقابل مردم برخوردار باشد. در صورتی که هیچ یک از این عوامل برای کشورهای OECD معنی دار نبوده است. در عوض، شرایط بودجه‌ای ضعیف یکی از مهمترین عوامل خصوصی سازی بانکی در کشورهای عضو OECD بوده است.

۳. چگونگی خصوصی سازی بانک‌های دولتی

در خصوص چگونگی خصوصی سازی بانک‌های دولتی در کشورها، موضوع‌های مختلف مشترک قابل بررسی وجود دارد. این مسائل عبارتند از:

(۱) اینکه فرآیند و نوع خصوصی سازی چگونه باشد. در اینجا نوع فروش دارایی‌ها و یا عرضه عمومی سهام می‌تواند مورد توجه قرار

(۴) سطوح بالاتر بیکاری در یک ایالت و سهام بیشتر کارکنان دولتی به کاهش احتمال خصوصی سازی منجر می‌شود،

(۵) بروز بحران مالی سال ۱۹۹۵ در کشور یاد شده و افزایش هزینه‌های مالی مستمر یارانه‌ای بانک‌های دولتی، احتمال خصوصی سازی آن را افزایش داد.

به عبارت دیگر در انتخاب بانک‌ها برای خصوصی سازی ترکیبی از عوامل اقتصادی و سیاسی مؤثر بوده است، ضمن آنکه عوامل سیاسی در این نقش پررنگ‌تری داشته است. در این ارتباط پژوهش دیگری که در سال ۲۰۰۳ با استفاده از یک نمونه جامع‌تر موضوع خصوصی سازی بانک‌ها در ۵۱ کشور به عمل آمد و طی آن چگونگی ارتباط عوامل اقتصادی، سیاسی و نهادی با تصمیمات یک کشور برای خصوصی سازی بانک‌های دولتی آن (۷) و نیز تشابه عوامل تعیین کننده مربوط به خصوصی سازی بانک‌ها در کشورهای عضو OECD

الف- شرح خلاصه بررسی تجربی الیختی خصوصی سازی بانکی در کشورهای عضو OECD

نمونه مورد بررسی، شیوه بررسی و دوره آن	نتایج و پیامدها
۱- بررسی شرایط عرضه و عرضه مالکیت سهام ۵۸ مورد انتشار غیرفصلی و ۲۳ مورد انتشار فصلی ۴۵ بانک که از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۶ گنجانده شده است. اینها خصوصی شدند، به علاوه مقایسه عملکرد قبل و بعد از خصوصی سازی ۲۲ بانک مربوط به کشورهای عضو OECD و ۵ بانک از کشورهای در حال توسعه (۱)	بهبود مالیت عملکرد بانکها در کشورهای OECD، افزایش چشمگیر تسهیلاتی شاخص سودآوری، درآمد کارمزد درآمد غیربهره‌های به کل درآمد، و کفایت سرمایه، و کاهش چشمگیر ضرر، تغییر مالکیت دولتی وسیع و عواید اولیه تحت رمد برای سرمایه گذاران IPO
۲- آزمون عواید کوتاه مدت و بلندمدت مزایای مالی شرکت‌هایی که در خریداری یک شرکت خدمات مالی خصوصی شده مشارکت داشتند. بررسی مزایای گذاران آمریکایی یا معامله‌گر در بازار آمریکا و آزمون ۸۶ معامله طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ (۱۱)	عواید غیرطبیعی جمعی مزایای گذاران شرکتها حول تاریخ اعلام مثبت لگن این عملکرد مثبت کوتاه مدت در بلندمدت پایدار بود ضمن آنکه این عواید بلندمدت مثبت بود یا این حال نتیجه بررسی نشان داد که مزایای گذاران کمتر خواهند بود. ریسکهای سیستماتیک خود را در مقابل بازار نااطمی به طور چشمگیری کاهش دهند.
۳- آزمون ملی تسلط نظام بانکی خصوصی بر تمام کشورهای گوندای ۱۹۷۴، و همچنین خصوصی سازی مجدد آن بانکها بعد از سال ۱۹۹۰. شرح اهداف چندگانه دولت برقرار از خصوصی سازی بانکها و شیوه فروش و شرایط این اقدام (۱۱)	الزخشی بانکهای خصوصی شده بعد از این اقدام تسهیلات افزایش یافت، بانکهای خصوصی شده کارکنان خود را به یک شرح زیادتری از بخش دولتی کاهش دادند و بانکهای خصوصی شده رشد بیشتری را از ابتدا با تبعیضهای آنها از بانکهای دولتی شاهد بودند.
۴- اجرای یک تحلیل و مطالعه موردی در مورد تألیف که خصوصی سازی بانک مشترک ائتلاف استرالیا (CBA) (۱۲) بر خود آن بانک و همچنین بر بانکهای رقیب دیگر برجای گذارد. فروش اولیه CBA در سال ۱۹۹۱ صورت گرفت و متعاقباً در سال ۱۹۹۶ به طور کامل خصوصی شد (۱۳)	قیمت‌های بورس بانکهای رقیب به فروش CBA تأثیر منفی نگارده و به ویژه با واکنش‌های منفی نسبت به فروش اولیه و نهایی آن همراه بود. عملکرد قیمت بورس بلندمدت CBA به طور چشمگیر مثبت بود و افزایش‌ها بالاتر از قیمت سهام خصوصی به دولت کاهش یافت عملکرد مالی و عملیاتی CBA بعد از خصوصی سازی به طور چشمگیر بهبود یافت و از سایر رقبای هم‌اندازه‌ها متمایز گردید.

۵) چگونگی جذب سرمایه (داخلی و خارجی) و تخصیص آن

برای نظام بانکی.

۴. شیوه‌های مختلف خصوصی سازی

در خصوص شیوه‌های مختلف خصوصی سازی نیز انتخاب‌هایی

وجود دارد.

معمولاً دولت‌ها یکی از سه شیوه زیر را برای خصوصی سازی

انتخاب می‌کنند:

فروش دارایی‌ها، عرضه سهام خصوصی سازی، یا خصوصی سازی

گیرد،

۲) انحلال و سازوکار خصوصی سازی نظام دولتی چگونه باشد.

این موضوع به‌ویژه برای اقتصادهای در حال گذار با نظام سوسیالیستی پیشین مطرح بوده است،

۳) چگونگی مقابله با یک پرتفوی وامی با کیفیت به شدت ضعیف

که بیشتر آن نکول شده و البته احتمالاً از یک مبنای گزارش دهی مالی نامشخص نیز برخوردار نیست،

۴) چگونگی تأمین یک رده مدیریتی توانمند در نظام،

ب- توجیح خلاصه بررسی تجربی ارزیابی خصوصی سازی بانکی در کشورهای در حال توسعه غیر از در حال گذار

نمونه مورد بررسی، شیوه و دوره زمانی	یافته ها و پیامدها
۱- ازجمله عملکرد خود ارزشمندی سازی بانک‌های واگذار شده به منظور کلی یا بخشی از طرف دولت‌های ۲۲ کشور در حال توسعه طی دوره ۹۸-۱۹۸۶ ^(۱۱)	خصوصی سازی به تهاقی به نظر نرسید تأثیری بر سودآوری یا اثربخشی انباری بانک‌ها داشته باشد. نوع مالکیت و صنعت مورد تمرکز به طور چشمگیری بر رفتار ریسک پذیر بانک‌های خصوصی شده تأثیر گذار است. بانک‌ها در تحت کنترل گروه‌ها و صنایع بالاترین ریسک‌پذیری و بانک‌های تحت کنترل حاکم و بانک‌های متعلق به خارج از کشور ریسک‌پذیری را بالا هستند. بانک‌های تحت مالکیت خارج از حاشیه بوده کمتر از بانک‌های تحت مالکیت داخلی بر نور دارند.
۲- بررسی و تحلیل تغییرات عملکرد اجزای قابل و بعد از خصوصی سازی ۲۱ بانک خصوصی، شده (۱۸ بانک عمومی شده به صورت خصوصی و ۳ بانک فاسد را در کشورهای با درآمد کم و متوسط مثل مال‌های ۹۷-۱۹۸۵. محاسبه شاخص‌های مشابه برای شرکت‌های رقیب به منظور سنجش بررسی مقایسه‌ای ^(۱۲)	املاکات خصوصی سازی باعث واکنش‌های مثبتی و زیادی از سوی بانک‌های رقیب می‌شود و این بیشتر جنبه است. یافتن گد بخش دولت، زیادتری واگذار شده باشد این یافته فرضیه اثبات رفتارها را مورد حمایت قرار می‌دهد و تمام نشدن سرمایه‌ها که سرمایه‌گذاران املاکات خصوصی سازی را به عنوان پیش‌درآمد غیرهای به برای بانک رقیب می‌دانند. به علاوه سهام بانک‌های خصوصی سازی شده عملکرد زیر حد سهام بازارهای مربوطه داشت و بازده اینها نیز اندک‌تری (بها) کمتر از سهام بانک‌های رقیب است.
۳- ازجمله اثر خصوصی سازی بر عملکرد سودهای نامتوازن از ۲۹ بانک بنا املاکات سه‌ساله مربوط به دوره ۱-۲۰۰۰-۱۹۹۰ و شرکت‌ها به منظور کامل خصوصی سازی شده طی دوره ^(۱۳)	یافته‌ها نشان می‌دهد بسیار مثبت خصوصی سازی حتی در یک محیط اقتصاد کلان و مقرراتی که مناسب و نظارت‌گری مالی باشد. خصوصی سازی کمک کرده است تا سقف سابق عملکرد بانک‌های متعلق به دولت و بانک‌های خصوصی در تجربه از بین برود هر چند عملکرد شرکت‌های واگذار شده هرگز از عملکرد بانک‌های خصوصی پیشی نگرفت.

روشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

Voucher در شیوه نخست خصوصی سازی، دولت با فروش دارایی، مالکیت بنگاه دولتی (SOE) (۸) را به یک شرکت خصوصی یا یک گروه کوچک سرمایه گذار واگذار می‌کند. این شیوه استفاده قسمتی از بازار سرمایه خصوصی در معاملات بنگاه‌های غیردولتی است. در این حالت دولت ممکن است کسری یا تمام بنگاه دولتی را به فروش برساند. در این شیوه فروش دارایی به نوعی از طریق مزایه انجام می‌گیرد اگرچه بعضاً دولت‌ها بنگاه‌های متعلق به خود را نیز به طور مستقیم به سرمایه گذاران خصوصی واگذار می‌نمایند. در بررسی‌های به عمل آمده در زمینه نحوه خصوصی سازی کشورها، برخی محققان از برنامه خصوصی سازی ملی بسیار مهمی در مکزیک یاد می‌کنند که تقریباً به طور کامل بر مبنای فروش دارایی انجام گرفته‌اند. خصوصی سازی بانک‌ها نیز در مکزیک در اوایل دهه ۱۹۹۰ از طریق مزایه به عنوان شکلی از فروش دارایی صورت گرفته است. در شیوه عرضه سهام SIPS» (۹) دولت اوراق سهام بنگاه دولتی را در بازار سرمایه به سرمایه گذاران نهایی و جزء می‌فروشد. خصوصی سازی از طریق عرضه سهام، گسترده‌ترین و اقتصادی‌ترین شیوه خصوصی سازی طی سال‌های مختلف در میان کشورها به ویژه کشورهای کمونیستی سابق بوده است. بنا به گزارش یکی از اقتصاددانان (۱۰) تنها طی سال ۱۹۹۷ دولت‌های ۵۹ کشور تا ۴۴۶ میلیارد دلار از طریق انجام دادن ۶۳۰ معامله خصوصی سازی عایدات

ج- شرح خلاصه بررسی تجربی تأثیرات اقتصادی مالکیت بانک‌های خارجی در کشورهای در حال توسعه

شرح نمونه، دوره و شیوه بررسی	خلاصه نتایج و یافته‌ها
۱- آزمون گنجه مالکیت خارجی در ۸۰ بازار ملتی طی دوره زمانی ۱۹۹۵-۱۹۹۸ و اینکه آیا حواشی خالص بهره، هزینه‌ها، مالیات‌های پرداختی و سودآوری سایر بانک‌های با مالکیت خارجی و داخلی متفاوت هستند؟ ^(۱۱)	بانک‌های خارجی نسبت به بانک‌های داخلی در کشورهای در حال توسعه به مزایای بیشتری دست می‌یابند، ولی این موضوع به طور دقیق در بازارهای توسعه یافته برعکس است. نتایج رگرسیون نیز توسعه دارند بر اینکه یک افزایش در سهم بانک خارجی، به سودآوری کمتر بانک‌های داخلی منجر می‌شود.
۲- به کارگیری داده‌های مبتنی از ۳۰۰۰ استقرار کسب و کار در ۲۸ کشور در حال توسعه و در حال گذار طی سال ۱۹۹۹ جهت آزمون اینکه آیا رخنه بانک خارجی به کاهش دسترسی اعتبار در کشورهای در حال توسعه منجر می‌شود؟ ^(۱۲)	یافته تجربی آزمون فوق‌الذکر آن بود که رخنه بانک‌های خارجی در این کشورها دسترسی شرکتها به اعتبارات را بهبود داده است. استقرار کسب‌کار در کشورهای با سطوح بالای نفوذ بانک‌های خارجی گرایش به ارزیابی سوابق‌های بهره و دسترسی به وام‌های بلندمدت دارند زیرا که بر خطرات نگاه و رشد آنها در کشورهای با نفوذ بانک‌های خارجی محدودیت‌های دسترسی وجود دارد. همچنین دیده شد که صنایع خاصی از دسترسی به اعتبار افزایش یافته به امور جاری با اندازه کوچک و متوسط نیز همچون اندازه‌های بزرگ. نتیجه می‌یابد.
۳- بررسی بومی مالکیت بانک خارجی در مجارستان با به کارگیری نمونه‌های از ۲۴ بانک فعال در دوره زمانی ۲۰۰۰-۱۹۹۴ تا اواخر سال ۲۰۰۰ تعداد بانک‌های تحت کنترل خارجی به بیش از دو سوم کل دارایی‌های بانکی در مجارستان بالغ شد. ^(۱۳)	بعد از کنترل ماهیت سوبده گفاری، شیوه مدیریت و دوره مالکیت دیده شد که بانک‌های خارجی از یک سیاست وام‌دهی سودی می‌کنند که تفاوت زیادی با بانک‌های داخلی ندارد. با این وجود بانک‌های خارجی قادر بودند به سطوح بالای سودآوری به صورتی سازگار دستیابی پیدا کنند.

داشته‌اند. خصوصی سازی بانکی در کشورهای عضو OECD و در فروش‌های با حجم زیاد کشورهای در حال توسعه، عمدتاً به شیوه SIPS گرایش داشته است.

در کشورهای سابق کمونیستی اروپای شرقی همچون روسیه، لهستان و جمهوری چک ابتدا در خصوصی سازی بانک‌ها، از طریق خصوصی سازی توزیع گسترده برگه‌های سهام عمل نمودند. این نوع خصوصی سازی مشابه SIPS است که در آن سهام مالکیت به صورت وسیع توزیع می‌شود. با این وجود در این شیوه خصوصی سازی، دولت اسناد هزینه (برگه‌های مالکیتی که برای بنگاه دولتی قبلی توزیع شده است) را در سطح عموم شهروندان توزیع می‌کند. این برگه‌ها به طور معمول رایگان هستند و یا آنکه با قیمت خیلی کم در دسترس همه شهروندان قرار می‌گیرد. لذا خصوصی سازی از طریق این برگه‌ها در واقع در اختیار نهادن دارایی بنگاه‌ها به شهروندان است. به عبارتی،

خصوصی سازی از طریق عرضه سهام در قیمت بسیار پایین است. با این همه، بررسی تجربی پیشینه خصوصی سازی بیانگر آن است که هیچ‌کدام از این شیوه‌ها جنبه «استاندارد» نداشته و یا به عنوان شیوه پیش فرض خصوصی سازی بانک‌های متعلق به دولت به شمار نمی‌رود. پژوهش بسیار جامع (۹) در زمینه خصوصی سازی بانکی در دوره زمانی ۱۹۸۲-۲۰۰۰، که ۲۷۰ معامله مربوط از میان ۵۰ کشور را بررسی کرده و ارزش عملیاتی حدود ۱۱۹ میلیارد دلار آمریکا را شامل می‌شود، نشان داده است که ۴۶٪ درصد فروش‌های مربوط به این معاملات از طریق SIPS و بقیه آن یعنی ۵۳٪ درصد به شیوه فروش دارایی انجام گرفته است. متوسط این معاملات (میانگین رقمی بالغ بر ۴۴۲ میلیون دلار (۱۵ میلیون دلار) و دربرگیرنده فروش ۴۷٪ درصد (۴۱ درصد) کل سرمایه بانک بوده است. این بررسی در زمره شواهدی قرار دارد که طبق آن دولت‌ها در زمینه واگذاری کنترل مؤثر

در این باره منتشر شده است. این امر جای کمی تعجب دارد، چرا که بانک‌ها، یا لاقط وظایف بانکی جزء لاینفک و لازم الاجرای تمام اقتصادها است. از طرفی این موضوع دور از انتظار نیست، زیرا کسب اطلاعات در خصوص بانک‌هایی که خصوصی شده‌اند، به‌ویژه در خصوص عملکرد مالی قبل و بعد از خصوصی‌سازی آنها، بسیار دشوار است. به علاوه، بانک‌ها همیشه به عنوان یکی از ابزارهای مورد علاقه سیاستمداران و دولت‌ها برای کانالیزه کردن وجوه به بخش‌ها و صنایع و شرکت‌های منتخب بوده‌اند. لذا آنها حتی بیشتر از معمول برای یک صنعت مهم بوده‌اند؛ حتی در بهترین شرایط ناشی از فقدان شفافیت در گزارش دهی مالی. با این همه، از سال ۱۹۹۸ به این طرف بررسی‌های دیگری در زمینه تجربه‌های خصوصی‌سازی بانکی در مناطق مختلف وجود داشته است که در زیر به لحاظ اختصار صرفاً به نتایج برخی از این بررسی‌ها با توجه با مناطق مختلف بررسی شده و شیوه‌های به کار گرفته شده در هر مورد اشاره می‌شود:

بانک‌ها بسیار محتاط عمل می‌کنند. بررسی مشابه دیگری در این زمینه نشان می‌دهد که دولت‌ها بالغ بر ۱۴۲/۹ میلیارد دلار از محل ۱۴۴ مورد عرضه سهام و ۱۳۹ مورد فروش خصوصی طی دوره زمانی ژانویه ۱۹۸۷ و اوت ۲۰۰۳ عایدی داشته‌اند. کل این عایدی از محل SIPs بالغ بر ۷۶/۲ میلیارد دلار و متوسط آن برای هر معامله خصوصی‌سازی ۵۲۹ میلیون دلار بوده است. این در حالی است که عایدی از محل فروش به طور متوسط به ۴۷۹/۹ میلیون دلار رسیده است.

در مجموع، تقریباً کلیه موارد مورد بررسی بر نقش استراتژیک بانکداری تجاری در تأمین وجوه توسعه اقتصادی و نیز نقش حیاتی دولت ملی در برنامه‌ریزی و هدایت توسعه تأکید دارد. جداول زیر نشان دهنده خلاصه پیامد بررسی‌های یاد شده هستند:

شواهد و پیامدهای تجربی خصوصی‌سازی بانکی

تجزیه و تحلیل تجربی عملکرد خصوصی‌سازی در حوزه بانکی برخلاف شرکت‌های غیرمالی محدود بوده و تعداد کمی از بررسی‌ها

منابع و ماخذ:

- | | |
|---|--|
| <p>3- Megginson, William L. 2004, The Financial Economics of Privatization, Oxford University Press, New York, NY.</p> <p>4- Megginson, William L., The Economics of Bank Privatization, The World Bank, November 18, 2003.</p> | <p>1- The World Bank Group, Financial and Private Sector Development Vice Presidency, Feb. 2007, Note No. 314</p> <p>2- UNCTAD (United Nations Conferences on Trade and Development), World Investment Report, 2007, Geneva.</p> |
|---|--|

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|---|---|
| <p>11-Boehmer, Nash and Netter (BNN 2003)</p> <p>12- rerbrugge, Megginson and Owens (1999)</p> <p>13- Gleason, McNulty and Pennathur (2003)</p> <p>14-Braz (1999)</p> <p>15-Commonwealth Bank of Australia (CBA)</p> <p>16-Otchere and Chan (2003)</p> <p>17-Boubakri, Cosset, Fischer and Guedhami (2003)</p> <p>18-Otchere(2003)</p> <p>19-Beck, Cupp and Jerome (2003)</p> <p>20-Claessens, Demirguc- kunt and Huininga (1998)</p> <p>21-Clarke, Cupp and Martinaz Peria (2001)</p> <p>22-Majnoni, Shankar and Varheggi (2003)</p> | <p>1 - BCR</p> <p>2 - PKO-Bank Polski</p> <p>3 - Las Bambas Mine</p> <p>4- Rajan and Zingales (1998)</p> <p>5 - Levin and Zervos (1998)</p> <p>6 - Clarke and Cull (2002)</p> <p>7 - Boehmer, Nash and Netter (2003)</p> <p>8- State Owned Enterprise</p> <p>9- Share-Issue Privatizations</p> <p>10 - Jones et al.(1999)</p> |
|---|---|